

سخن فصل

سید حسین موسوی*

الف

فلسطین؛ زمان و زمانه

کشمکش اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین در سال ۲۰۱۱ و در شصت و دومین سال فاجعه اشغال آن با دو نطق متناقض باراک اوباما رییس جمهور امریکا و نطق بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کنگره امریکا وارد مرحله تازه ای شد و امیدهای مربوط به برقراری صلح عادلانه بکلی از میان رفت.

روند مصالحه فلسطینی ها با رژیم صهیونیستی با پیمان اسلو در آغاز دهه نود میلادی قرن پیش با پذیرش شرایط تل آویو از سوی سازمان آزادی بخش فلسطین شروع شد و به تولد تشکیلات خودگردان فلسطین در کرانه باختری رود اردن و باریکه غزه منجر شد. طی دو دهه اخیر بسیاری از ناظران سیاسی معتقد بودند رژیم صهیونیستی آماده پذیرش دولت مستقل فلسطین در قلمرو سرزمین های اشغالی ۱۹۶۷ نیست و موج بی وقفه احداث سامانه های یهودی نشین در کرانه باختری و در بخش شرقی بیت المقدس از نشانه های جدی عدم آمادگی اسرائیل برای پذیرش موجودیت مستقل کشور فلسطین بر مبنای قطعنامه های شورای امنیت است. اما تشکیلات خودگردان فلسطین

* رییس مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

به رهبری مرحوم یاسر عرفات و جانشین وی محمود عباس به صورت پیوسته روی گزینه صلح، حتی با افق های تنگ و باریک آن پافشاری می کردند اسرائیل از شروع روند اسلو بدین سو با دستاویز قرار دادن چند موضوع از قبیل نبود شریک واقعی صلح در میان فلسطینی ها، از لوازم توافقات اسلو و نقشه راه کمیسیون چهارجانبه سرباز می زد. آخرین بهانه اسرائیل طی چهار سال گذشته، اختلافات عمیق فلسطینی ها و دو قطعه شدن سرزمین های تحت مدیریت آنان (کرانه باختری به رهبری محمود عباس و باریکه غزه به رهبری جنبش حماس) بود. برای همه ناظران سیاسی آشکار بود که اختلافات فلسطینی ها خود زاییده تلاش های اسرائیل بود در واقع رژیم صهیونیستی زیر سایه این اختلاف نظر فلسطینی ها، چند پروژه خود را به پیش برد اولی ادامه احداث سامانه های مسکونی یهودی در اراضی اشغالی بود و دوم یهودی سازی بخش شرقی بیت المقدس و سوم ادامه عملیات ترور مبارزان فلسطینی که به جنگ دامنه دار علیه باریکه غزه برای ریشه کن کردن جریان مقاومت اسلامی فلسطینی ها در پایان سال ۲۰۰۸ منتهی شد. با شروع موج قیام ها و انقلاب ها در شمال آفریقا بویژه در تونس و مصر، روند مذاکرات فلسطینی ها و رژیم صهیونیستی دچار وقفه شد و اسرائیل با ابراز نگرانی از چشم انداز تحولات عمیق خاورمیانه سیاست انتظار توأم با نگرانی را در پیش گرفت. فلسطینی ها نیز امید تازه ای یافته و قیام ها و انقلاب های تونس و مصر را به فال نیک گرفتند. با پیروزی انقلاب مردم در مصر، موضوع برقراری مصالحه میان جنبش های حماس و فتح در دستور کار رهبران جدید مصر قرار گرفت. هر دو جنبش از دعوت مصر برای امضای موافقتنامه مصالحه استقبال کردند. دولت جدید مصر با برگزاری نشست مصالحه میان فتح و حماس نشان داد که مسئله فلسطین را در اولویت برنامه های منطقه ای خود قرار داده است. اولین واکنش منفی از سوی بنیامین نتانیاهو ابراز شد. وی از محمود عباس رییس تشکیلات خودگردان فلسطین خواست میان صلح با اسرائیل و آشتی با حماس یکی را انتخاب کند. محمود عباس نیز به سرعت پاسخ داد که اسرائیل باید میان صلح و ادامه احداث شهرک های یهودی نشین یکی را انتخاب کند.

باراک اوباما رییس جمهور امریکا فرصت پیش آمده در خاورمیانه را مغتنم شمرد و طی سخنانی در وزارت خارجه امریکا سیاست های واشنگتن را در مقابل خاورمیانه تشریح کرد. باراک اوباما در موضوع کشمکش اعراب و اسرائیل و مسئله فلسطین به روشنی از مرزهای ۴ ژوئن

۱۹۶۷ سخن به میان آورد و آن را مبنای مذاکرات نهایی اسرائیل با فلسطینی ها به منظور تهیه مقدمات اعلام موجودیت کشور مستقل فلسطین قلمداد کرد. فلسطینی ها و بسیاری از کشورهای عربی از این سیاست واشنگتن استقبال کردند، اما دیری نپایید که بنیامین نتانیاهو به واشنگتن قدم گذاشت و در ملاقات با اوباما در کاخ سفید رسماً از عدم آمادگی اسرائیل برای پذیرش مرزهای ۱۹۶۷ سخن به میان آورد. رییس جمهور امریکا همزمان با اقامت نخست وزیر رژیم صهیونیستی در امریکا به نشست ۳ هزار یهودی ثروتمند امریکا در قالب سازمان ایپاک رفت و طی سخنانی گفت: مرزهای ۱۹۶۷ لزوماً گزینه مناسب برای برقراری صلح نهایی میان فلسطینی ها و اسرائیل نیست. باراک اوباما در همین نطق بی سابقه خود، امنیت اسرائیل را در صدر اولویت های استراتژی منطقه ای ایالات متحده قرار داد، اما به اسرائیلی ها توصیه کرد که از عامل زمان و نیز از پیام های انقلاب ها و تحولات خاورمیانه غفلت نکنند. بنیامین نتانیاهو دو روز پس از نطق اوباما به کنگره امریکا دعوت شد تا سیاست های اسرائیل را مشخص کند و رسماً و صریحاً از مرزهایی سخن گفت که برای اسرائیل قابل دفاع باشد. دولت فلسطین مطابق تعریف ارائه شده از سوی نتانیاهو دولتی قطعه قطعه شده، خلع سلاح شده و بدون حاکمیت بر مرزهای خاکی و آبی و هوایی است. در واکنش به این مواضع امریکا و اسرائیل، محمود عباس رییس تشکیلات خودگردان فلسطین اعلام کرد که فلسطینی ها جریان مصالحه را به پیش خواهند برد و برای اعلام یک طرفه موجودیت دولت فلسطین به سازمان ملل متحد متوسل خواهند شد.

تحولات فوق چکیده واقعیت هایی است که مسئله فلسطین پس از ۶۲ سال اشغال با آن روبرو شده است. این نوشته می کوشد با توجه به روشن شدن موضع واقعی امریکا نسبت به مبنای مذاکرات نهایی اسرائیل و فلسطینی ها، چشم انداز مسئله فلسطین را در میان مدت مورد ارزیابی قرار دهد؛

۱. بی تردید تاریخ کشمکش اعراب و اسرائیل این موضع جدید ایالات متحده امریکا را به نام باراک اوباما ثبت خواهد کرد. البته منظور از موضع جدید، جنبه های شفاف شده آن از سوی باراک اوباما است نه تغییر بنیادی، زیرا تاکنون هیچ یک از روسای جمهور ایالات متحده امریکا، حتی رؤسای جمهور یخواه از قابلیت تغییر مبنای مذاکرات صلح (مرزهای ۱۹۶۷ و قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت) سخن به میان نیاورده بود. باراک اوباما با اعلام قابلیت تغییر مبنای مذاکرات صلح در واقع راه بی انتها را

پیش روی اسرائیل گشود. بدین تیب ایالات متحده امریکا به عنوان عضو دایمی شورای امنیت نخستین کشوری است که رسماً قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت را زیر پا می‌گذارد از این پس نه فلسطینی‌ها و نه کشورهای عربی ارائه دهنده ابتکار عمل صلح و نه کمیسیون چهار جانبه، هیچکدام قادر نخواهند بود، درک درستی از مبنای مذاکرات صلح و گزینه جایگزین داشته باشند در سوی دیگر ماجرا سازمان ملل متحد حضور دارد که آشکار نیست چه واکنشی در چارچوب پشتیبانی از مصوبات خود از جمله مصوبه ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت نشان خواهد داد. همچنین آشکار نیست که نقشه راه پیشنهادی کمیسیون چهار جانبه بین‌المللی در سایه موضع امریکا چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد. روسیه به عنوان عضو کمیسیون چهار جانبه و عضویت دایمی در شورای امنیت و از امضاکنندگان قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت هنوز واکنشی در قبال موضوع قابلیت جابجایی مبنای مرزهای ۱۹۶۷ در کشمکش اعراب و اسرائیل از خود نشان نداده است، اما مسکو با توجه به دو اصل عضویت دایمی شورای امنیت و عضویت در کمیسیون چهار جانبه، مسئولیت مستقیمی در قبال اجرای مصوبات جامعه جهانی دارد.

۲. چنانکه همه می‌دانند کشورهای عربی میانه‌رو از نیمه دوم دهه هشتاد میلادی قرن پیشین تا اجلاس سران در بیروت در نیمه‌های دهه اول هزاره سوم طرح ابتکاری خود را برای برقراری صلح با اسرائیل ارائه کردند مبنای این ابتکار عمل اعراب، مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۶۷ بر پایه قطعنامه ۲۴۲ بویژه شهر بیت‌المقدس است که از دیدگاه طرح صلح اعراب به عنوان پایتخت دولت مستقل فلسطین شناخته شده است. عمرو موسی دبیر اتحادیه عرب طی دو سال اخیر و در واکنش به سرسختی اسرائیل تأکید کرده است که طرح صلح اعراب برای همیشه روی میز باقی نخواهد ماند اینک باید دید که اتحادیه عرب در پاسخ به اعلام رسمی موضع امریکا و نیز اعلام صریح رژیم صهیونیستی مبنی بر عدم پذیرش مرزهای ۱۹۶۷ به عنوان مبنای مذاکرات نهایی، چه سیاستی اتخاذ خواهد کرد. بدیهی است که تعلیق ابتکار صلح اعراب و انتقال به فاز پشتیبانی از گزینه مقاومت فلسطینی‌ها و نیز پناه بردن به شورای امنیت از اقدامات ضروری اتحادیه عرب است. اتحادیه عرب در شرایط کنونی خاورمیانه بویژه با توجه به تحولات کشور محوری مصر، با اتحادیه عرب دوران حاکمیت محور میانه‌روها و سازش‌طلبان تفاوت عمده پیدا کرده است. اکنون رسالت جانب‌داری از آرمان ملت فلسطین و نیز

حمایت از مصوبات خود و مصوبات جامعه جهانی بر دوش اتحادیه عرب قرار دارد. اتحادیه عرب در سایه خیزش ملت‌های عرب می‌تواند یک روز جمعه را به عنوان جمعه حمایت از استقلال فلسطین و مخالفت با ایالات متحده آمریکا به عنوان میانجی غیرپاکیزه روند صلح مشخص کرده و از ملت‌های عرب بخواهد که دست به تظاهرات اعتراض‌آمیز بزنند.

۳. یکی از نکات مثبت تحولات و دگرگونی‌های اخیر در موضوع کشمکش اعراب و اسرائیل این است که سازمان‌های فتح و حماس پیش از اعلام موضع آمریکا و اسرائیل اقدام به مصالحه کرده و راه را برای برقراری یک دولت دموکراتیک انتخابی هموار کردند. هم رژیم صهیونیستی و هم ایالات متحده آمریکا در واکنش به این مصالحه نیت واقعی خود را ابراز کردند. برای همه ناظران سیاسی آشکار بود که رژیم صهیونیستی از برقراری این مصالحه و یکدست شدن موضع فلسطینی‌ها خشنود نخواهد بود، اما موضع باراک اوباما در این زمینه جلب توجه می‌کند. اوباما در واکنش به این مصالحه اعلام کرد که آشتی فتح و حماس مانع جدیدی در فرایند صلح ایجاد خواهد کرد. نکته جالب توجه این است که اوباما هنگامی که موضوع به ملت‌های سوریه، یمن، لیبی و ... مربوط می‌شود از آنان به طور آشکار می‌خواهد که علیه حکومت‌های مستبد قیام کنند، اما هنگامی که به مرزهای ملت فلسطین می‌رسد به صورت ضمنی بر ادامه خصومت و برادرکشی تأکید می‌کند تا اسرائیل در زیر سایه اختلافات فلسطینی‌ها به طرح‌های توسعه‌طلبانه خود در اراضی اشغالی ادامه دهد. این سیاست آمریکا در قبال جهان عرب آن‌هم در یک پروسه زمانی، معنایی جز نفاق و دورویی نمی‌دهد. بدین ترتیب تکلیف فلسطینی‌ها بویژه رهبرانی که با اتکا به امیدهای واهی ایالات متحده آمریکا از اسلو بدین سو حرکت کردند مشخص شده است. آمریکا آشکارا و طی یک هفته، سه اصل مهم را در موضوع فلسطین مورد تأکید قرار داد: امنیت اسرائیل با امنیت ملی آمریکا گره خورده است، بیت‌المقدس پایتخت فلسطین نخواهد بود و مسئله آوارگان فلسطینی باید در خارج از اسرائیل و فلسطین مورد حل و فصل قرار گیرد. به نظر می‌رسد جریان محمود عباس و سازمان فلسطینی فتح از این پس به مقوله مقاومت و ضرورت آن در شرایط کنونی و در نتیجه به استراتژی جنبش حماس نزدیکتر خواهد شد. به عبارت دیگر دولت آینده فلسطینی‌ها دولت مقاومت خواهد بود نه دولت تکنوکرات. فضای خاورمیانه و تحولات آن به فلسطینی‌ها این امکان را می‌دهد که سقف مطالبات خود را بالا ببرند.

۴. می‌گویند مرحوم یاسر عرفات در پاسخ به فشارهای شدید بیل کلینتون رییس جمهور اسبق امریکا در چارچوب مذاکرات کمپ دیوید دوم گفته بود که اگر نسل کنونی رهبران فلسطین موفق به دستیابی به آرزوی دیرینه خود مبنی بر تشکیل دولت مستقل فلسطین نشود، آرمان فلسطین را به حراج نخواهد گذاشت، بلکه رسالت آزادسازی فلسطین را به نسل‌های آینده خواهد سپرد.

واقعیت این است که نسل جدید اعراب در حال دستیابی به درک و فهم درست از آنچه بر سر پدران‌شان رفته می‌باشد. مسئولیت‌شناسی نسل جدید مسلمانان عرب و غیرعرب در قبال قبله نخستین مسلمانان و فلسطین و همدستی استعمارگران غربی و جریان سازشکار عرب در کاشت پدیده صهیونیسم در قلب جهان اسلام اگر بیشتر از پدران‌شان نباشد قطعاً کمتر نیست. شما ملاحظه کنید که امسال در سالگرد شصت و دومین سال نکبت فلسطین، زخم این فاجعه چگونه باز و زنده شد، دهها هزار تن از فلسطینی‌های آواره و مسلمانان عرب و غیر عرب اقدام به راهپیمایی به مرزهای فلسطین اشغالی از کلیه جبهه‌ها کردند و الگوی جدید و قابل گسترش را از اتحاد ملت‌ها برای نفی صهیونیسم در سرزمین ادیان توحیدی به عرصه ظهور رساندند. قیام‌ها و انقلاب‌های ملت‌های خاورمیانه هنوز در آغاز راه خود قرار دارد. با حذف رژیم‌های حامی اسرائیل در منطقه، مسئله فلسطین دوباره در صدر آرمان‌های ملت‌های مسلمان قرار خواهد گرفت. هیچکس حق ندارد به دلیل قدرت تسلیحاتی رژیم صهیونیستی و جانب‌داری ابرقدرتی مانند ایالات متحده از آن، آرمان فلسطین را به حراج بگذارد. همگان شاهد بودند که چگونه ماشین نظامی رژیم صهیونیستی در برابر اراده پولادین مقاومت حزب اله در جنگ ژوئیه ۲۰۰۶ زمینگیر شد. این اراده پولادین در حال سرایت به کل بدنه ملت‌های عرب و مسلمان است. در نطق اخیر اوباما در ایپاک یک نکته مورد غفلت ناظران قرار گرفت. باراک اوباما خطاب به یهودیان امریکا گفت که امریکا به عنوان دوست استراتژیک اسرائیل توصیه می‌کند نیم‌نگاهی به تحولات خاورمیانه و قیام‌ها و انقلاب‌ها داشته باشند و تا دیر نشده اقدام به برقراری صلح دائمی با فلسطینی‌ها نکنند. به نظر می‌رسد اوباما نیز به این نتیجه رسیده است که زمان و زمانه به سود تحقق آرمان فلسطین در حال چرخش است.